

به نام خدا

شماره چاپ: ۱۳۰

دوره هشتم - سال اول

شماره ثبت: ۱۲۹

تاریخ چاپ: ۱۳۸۷/۴/۱۰

اظهار نظر کارشناسی درباره:
«لایحه مجازات‌های اجتماعی جایگزین زندان»

فهرست مطالب

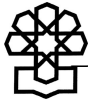
۱.....	مقدمه
۲.....	۱. ملاحظات کلی
۵.....	۲. بررسی مواد
۸.....	نتایج و پیشنهادات
۹.....	منابع و مأخذ

**اظهار نظر کارشناسی درباره:****«لایحه مجازات‌های اجتماعی جایگزین زندان»****مقدمه**

یکی از ابزارها و برنامه‌های توسعه قضایی در برنامه چهارم توسعه (بند «ب» ماده (۱۳۰)) «جایگزینی مجازات حبس با مجازات‌های دیگر» جهت «بهره‌گیری از روش‌های نوین اصلاح و تربیت مجرمان در جامعه» قلمداد شده است. توجه به این ضرورت با عنایت به کثیری از مسائل و مشکلات ناشی از مجازات حبس قابل توجه است. برخی از این معضلات عبارتند از: افزایش جمعیت کیفری زندانیان، کاهش فضای سرانه زندان‌ها به نسبت زندانیان، از هم پاشیدگی کانون خانواده زندانیان، هزینه اقتصادی فوق‌العاده زیاد زندان‌ها، اجتماعی شدن زندانیان در فضای زندان یا پذیرش فرهنگ زندان و نگاه منفی جامعه به دارندگان سابقه حبس.

در لایحه مجازات‌های اجتماعی، بسیاری از مجازات‌های جدید با ویژگی امکان اجرا در محیط خارج از زندان پیش‌بینی شده‌اند که به نظر می‌رسد در صورت حصول شرایط جهت توسل به آنها در مراجع قضایی و ایجاد امکانات لازم برای اجرای آنها، ضمن آزادسازی بخشی از ظرفیت‌های زندان‌ها در ایران، امکان مشارکت مردم و نهادهای مدنی در اجرای عدالت در امور کیفری را فراهم می‌کند.

بدین ترتیب لایحه مورد بررسی پاسخی ضروری و مناسب به مشکلات ناشی از زندان و اقدامی شایسته در فرایند تدوین سیاست جنایی تقنینی است. لایحه از نظر



موقعیت و اوضاع و احوال ارائه و نیز به دلیل برخورداری از مبانی نظری متقن ارزشمند و قابل دفاع است. با این حال توجه به برخی نکات کلی حاکم بر تمام مواد لایحه از یکسو و ملاحظه‌هایی درخصوص محتوای برخی از مواد در فصل‌های دوم به بعد می‌تواند به اصلاح و تکمیل آن کمک کند.

هر چند اجرای مناسب این لایحه، آن‌گونه که در مقدمه توجیهی آن آمده است، می‌تواند به کاهش جمعیت کیفری در زندان‌ها بیانجامد، فراهم نبودن زمینه‌های اجتماعی اجرای تدابیر پیش‌بینی شده در لایحه، به ویژه از آن جهت که مطابق ماده (۱) اجرای آن منوط به مشارکت مردم و نهادهای مدنی است، ممکن است به ناکارآمدی تدابیر و سازوکارهای پیش‌بینی شده منجر شود. در این بررسی با توجه به دو نکته کلی بالا موارد زیر یادآوری می‌شود:

۱. ملاحظات کلی

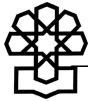
الف) پیشنهاد می‌شود عنوان لایحه تغییر کرده و به «مجازات‌های اجتماعی» تبدیل شود؛ این تغییر باید در سایر مواد لایحه که از عنوان جایگزین زندان در آنها استفاده شده است نیز اعمال شود. زیرا، ممکن است این شائبه پیش آید که قرار است مجازات‌های اجتماعی جایگزین زندان شود، حال آنکه چنین نیست در برخی از موارد مجازات زندان به قوت خود باقی است و در مواردی نیز که جایگزینی صورت می‌گیرد ضمانت اجرای تخلف از مجازات‌های اجتماعی زندان است و به این ترتیب در عرض مجازات‌های اجتماعی قرار می‌گیرد. همچنان که در این لایحه مجازات‌های اجتماعی صرفاً جایگزین زندان نیستند، بلکه در مواردی هم جایگزین جزای نقدی و



شلاق هستند. افزون بر این، حذف قید مزبور از عنوان لایحه کمک می‌کند تا مجازات‌های اجتماعی مذکور در این لایحه را مستقل ببینیم به گونه‌ای که امکان استفاده از آنها در قانون‌گذاری‌های کیفری جدید فراهم باشد و این تصور به وجود نیاید که مجازات اجتماعی لزوماً جایگزین زندان است. بلکه، همان‌گونه که می‌دانیم این نوع مجازات‌ها علاوه بر وصف جایگزینی، سرشت مستقلی هم دارند و می‌توانند کیفر جرم واقع شوند بی‌آنکه مجازات زندانی در کار باشد.

ب) علاوه بر ایراد مذکور در فوق می‌توان به این نکته نیز اشاره کرد که اصطلاح مجازات‌های اجتماعی جایگزین «زندان» خالی از ایراد نیست. زیرا چنین متبادر به ذهن می‌شود که «زندان» مجازات تلقی شده است. در حالی که زندان مجازات نبوده، محل اجرای مجازات حبس است. شاید درست به همین دلیل است که در برخی دیگر از مواد لایحه پیشنهادی (مواد (۹)، (۱۰) و...) از عبارت «مجازات‌های اجتماعی جایگزین حبس» استفاده شده است.

ج) همان‌طور که در ماده (۱) تصریح شده است؛ مجازات‌های اجتماعی با مشارکت مردم و نهادهای مدنی اعمال می‌شوند. باوجود این، در این لایحه سازوکاری برای ایجاد امکانات و باور در میان مردم و نهادهای مدنی برای اجرای آن پیش‌بینی نشده است. از آن‌جا که اجرای مجازات خدمات عمومی (فصل سوم) منوط به این است که برخی از نهادهای مردمی و مدنی و نیز نهادها و دستگاه‌های دولتی و عمومی مانند شهرداری‌ها حاضر به پذیرش مجرمین جهت کار در آن نهادها باشند، تا این پذیرش و زمینه‌های اجرایی فراهم نشود، بعید است که قضات بتوانند از چنین مجازات‌هایی استفاده کنند و بیم آن می‌رود که در جایگزینی به مجازات‌هایی مانند



جزای نقدی روزانه - که کم‌تر مبتنی بر مشارکت مردم است - گرایش پیدا کنند. این لایحه به گونه‌ای متضمن تغییر در سیاست کیفری است و چون «تغییر» یک فرایند، است هم نیازمند باور و پذیرش واقعی آن توسط قوه قضائیه، دستگاه‌های اجرایی و نهادهای مدنی و هم محتاج مدیریت است. مدیریت فرایند تغییر، ارزش کمتری از محتوای خود برنامه ندارد. به نظر می‌رسد این ضعف در لایحه، مانند بسیاری از لوایح این‌چنینی وجود دارد و همین امر می‌تواند اجرای بخشی از آن را با مشکل مواجه کند. بنابراین، به نظر می‌رسد؛ پیش‌بینی موارد ذیل در قانون ضروری باشد:

۱. آموزش و اطلاع‌رسانی مناسب به قضات، دستگاه‌ها و نهادهای مدنی،
۲. اجرای آزمایشی قانون در چند نقطه از کشور، ارزیابی نتایج و در صورت موفقیت‌آمیز بودن، تعمیم آن به سراسر کشور،
۳. تاریخ لازم‌الاجرا شدن قانون به ۶ ماه پس از تصویب آن موکول و در این مدت قوه قضائیه مکلف به آموزش قضات شود.
۴. در جرائم عمدی، سقفی که برای تبدیل اختیاری حبس در نظر گرفته شده است (۲ سال) زیاد به نظر می‌رسد. توضیح آنکه جرائمی که مجازات آنها تا ۲ سال حبس است، عموماً جرائم سبکی نیستند که مجازات آنها اقتضای تبدیل را داشته باشد. وانگهی هرچند در تعیین میزان مجازات‌های اجتماعی به موجب تبصره ماده (۱) به اوضاع و احوال و جهات مخففه توجه خواهد شد، لکن در تبدیل حبس به مجازات‌های اجتماعی احراز جهات مخففه ضرورتی ندارد. از این‌رو مجازات‌های اجتماعی باید به لحاظ شدت با مجازات حبس تناسب داشته باشند؛ در حالی که مجازات‌های مقرر

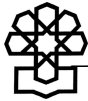


به طور کلی سبکتر از ۲ سال حبس است. از این رو به نظر می‌رسد تبدیل اختیاری حبس به این نوع مجازات‌ها در مورد مجازات‌های حبس ۶ ماه تا یک سال اعمال شود. ۵. در جرائم غیر عمدی نیز الزام قاضی به تبدیل حبس به مجازات اجتماعی مناسب به نظر نمی‌رسد. توضیح آنکه در جرائم رانندگی موجب حوادث مادون قتل غیر عمدی بعضاً به دلیل تجری بیش از حد مرتکب، مجازات حبس در مواردی ضروری به نظر می‌رسد؛ خصوصاً اینکه پرداخت دیه به لحاظ کم بودن میزان آن نسبت به درآمدها برای برخی از افراد جامعه بازدارندگی کافی ندارد. از این رو به نظر می‌رسد در این‌گونه جرائم نیز همانند جرائم عمدی تبدیل حبس به مجازات اجتماعی به طور اختیاری باشد و صلاحدید آن به دادگاه واگذار شود.

۲. بررسی مواد

الف) ماده (۱۱) لایحه، میان جرائمی که مجازات حبس آنها مشمول جایگزینی شده، قائل به تفکیک شده است که این تفکیک مبنای مشخص و قابل دفاعی ندارد. در ماده (۹) لایحه پیشنهادی قوه قضائیه^۱ پیش‌بینی شده بود که اگر خسارات توسط متهم یا محکوم علیه جبران شود یا رضایت بزه‌دیده جلب شود موجبی برای تخفیف در مجازات اجتماعی خواهد بود و این تخفیف عام و فراگیر بود و منحصر به دو دسته از جرائم نمی‌شد. مبنای نظری سیاست تشویقی مذکور آن است که در چنین جرائمی - که از نظر اعتبار و اهمیت در رتبه پایین یا متوسطی قرار دارند - آنچه اهمیت و

۱. هیئت دولت متن لایحه پیشنهادی قوه قضائیه را با اعمال تغییراتی در آن تقدیم مجلس شورای اسلامی کرده است.



ارزشی برابر و گاه مهم‌تر از نظم عمومی دارد حقوق و آزادی‌های فردی است که با ارتکاب جرم تهدید یا مخدوش شده است. آنچه در ماده (۹) لایحه اولیه پیش‌بینی شده بود راه را باز می‌گذاشت که هر وقت چنین امری محقق شود، موجبی برای تخفیف باشد. حال در ماده (۱۱) این سیاست محدود به دو مورد شده است که معلوم نیست چرا این حصر اتفاق افتاد. نکته دیگر اینکه عبارت «جرائم مذکور واجد جنبه عمومی نیز می‌باشد» در ماده (۱۱) این لایحه صرف نظر از ایراد نگارشی، از مفهوم مشخصی برخوردار نبوده و حذف آن پیشنهاد می‌شود...

ب) در ماده (۱۲) واژه «شعباتی» به «شعبی» تبدیل شود.

ج) در ماده (۱۳) از دو اصطلاح متفاوت «مددکار اجتماعی» و «مأمور مراقبتی» یاد شده است. این در حالی است که در مواد بعدی (مواد (۱۴)، (۱۷) و...) تنها از اصطلاح مددکار اجتماعی استفاده شده است. با عنایت به تفاوت نقش‌ها و وظایف مأموران مراقبتی از مددکاران اجتماعی، ضروری است نسبت به تعیین دقیق وظایف و تکالیف هر کدام از آنها اقدام شود.

د) در انتهای بند «۴» ماده (۱۴) عبارت «یا رضایت زیان‌دیده» صحیح نیست. «با رضایت زیان‌دیده» درست است. همچنین به جای واژه «زیان‌بار» واژه «زیان» جایگزین شود.

ه) در ماده (۱۵) مقرر شده است که در صورت خودداری محکوم از اجرای دستورهای تعیین شده توسط دادگاه، برای بار اول با تصمیم قاضی اجرای مجازات‌های اجتماعی، حداکثر ۶ ماه بر دوره مراقبت او افزوده می‌شود. این ماده در مورد قابل اعتراض بودن تصمیم قاضی اجرای مجازات‌ها ساکت است. از آن‌جا که



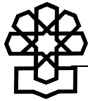
محکوم علیه می‌تواند در خصوص تحقق تخلف اعتراض داشته باشد، بهتر است پیش‌بینی شود که «محکوم علیه می‌تواند به تصمیم قاضی اجرای مجازات‌ها اعتراض کند و مرجع رسیدگی دادگاه صادرکننده حکم بدوی است».

و) در تبصره «۱» ماده (۱۹)، ضمانت اجرای موردی که محکوم علیه رضایت به انجام خدمات عمومی ندهد، ملاحظه نمی‌شود. بر این اساس ضروری است در پایان تبصره مذکور افزوده شود: «در صورت عدم رضایت محکوم علیه، حکم به مجازات اصلی صادر و اجرا می‌گردد».

ز) در ماده (۲۲) مقرر شده که «در صورت تبدیل حکم به حبس، ... از مدت باقیمانده دوره خدمات عمومی پیش‌تر نخواهد بود». از آن‌جا که زندان به روز شمارش می‌شود و خدمات عمومی به ساعت، مشخص نشده است که مبنای محاسبه دوره خدمت عمومی باقیمانده و تبدیل آن به حبس چیست؟ آیا به ازای هر ۸ ساعت یک روز یا به ازای هر ۲۴ ساعت یک روز. در این موارد منطق اقتضا دارد که ملاک ارائه شده در بند «الف» ماده (۲۰)، مبنای محاسبه قرار گیرد.

ح) عبارت «در صورت تقسیط جزای نقدی روزانه در حکم دادگاه» در ماده (۲۶) زائد است و آن پیشنهاد می‌شود. خود جزای نقدی روزانه نوعی تقسیط جزای نقدی است. معلوم نیست ذکر این عبارت در ماده (۲۶) به چه معناست؟ عبارت مذکور بهتر است بدین‌نحو اصلاح شود: «محکوم علیه باید حداکثر ظرف ده روز از پایان هر ماه نسبت به پرداخت جزای نقدی روزانه اقدام نماید».

ط) در ماده (۲۶) نیز، مانند ماده (۲۳) مبنای تبدیل جزای نقدی به زندان مشخص نشده است. در تبصره ماده (۲۵) لایحه پیشنهادی قوه قضائیه آمده بود به ازای هر



۱۰۰ هزار ریال یک روز، که این تبصره در لایحه تقدیمی دولت حذف شده است. بهتر

است تبصره مذکور در این‌جا نیز قید شود یا لااقل مبنای دیگری ارائه شود.

ی) به موجب ماده (۲۸) دادگاه می‌تواند محکوم علیه را از برخی حقوق اجتماعی محروم کند. ضروری است در این لایحه یا در آیین‌نامه اجرایی آن، نحوه اجرای تصمیم دادگاه نیز مشخص شود تا احکام مذکور بلااجرا نماند.

ک) مراد از «جرائم امنیتی» مذکور در ماده (۳۰) لایحه چیست؟ چنان‌چه منظور «جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی» موضوع فصل اول کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ است، پیشنهاد می‌شود به لحاظ زدودن ابهام از واژگان مذکور، به آن تصریح شود.

نتایج و پیشنهادها

۱. لایحه از قوام و استحکام مناسبی برخوردار است.

۲. عنوان لایحه، به «مجازات‌های اجتماعی» تغییر کند.

۳. در یکی از مواد متفرقه پیش‌بینی شود که قانون برای مدت یک تا دو سال در نقاطی از کشور که ویژگی‌های متفاوتی دارند به‌طور آزمایشی اجرا شود.

۴. قانون شش ماه پس از تصویب، لازم‌الاجرا شود تا فرصت آموزش، اطلاع‌رسانی و تمهید مقدمات و به‌ویژه هماهنگی بخش‌های درگیر لایحه مانند نهادهای اجرایی و مردمی فراهم شود. زیرا دادگاه‌ها نمی‌توانند تا نهادهای مراکزی آمادگی پذیرش محکومین برای ارائه خدمات عمومی را نداشته باشند، یا اینکه مددکاران اجتماعی به



میزان مورد نیاز در خدمت قاضی اجرای مجازات‌های اجتماعی قرار نگیرد، حکم به این نوع مجازات‌ها دهند. در این صورت بیم آن است که به یک یا دو مجازات اجتماعی سهل‌الوصول‌تر حکم داده شود.

به‌علاوه در تبصره «۲» ماده (۱۷) و نیز ماده (۲۴) لایحه، تنظیم و تصویب آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌هایی برای اجرای قانون مقرر شده است. تهیه آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های مورد نظر، مستلزم فرصتی حداقل ۶ ماهه است. از این رو پیش‌بینی مدت مذکور در مواد یاد شده پیشنهاد می‌شود.

۵. با توجه به نکات یادشده در بخش ملاحظات کلی تبدیل اختیاری مجازات حبس به جرائمی محدود شود که مجازات قانونی آنها بین ۶ ماه تا یک سال است و تبدیل مجازات‌های حبس جرائم غیرعمدی همانند جرائم عمدی به صورت اختیاری بوده و به دادگاه تفویض شود.

۶. اصلاح برخی از مواد نیز در متن گزارش پیشنهاد شده است.

منابع و مأخذ

۱. جایگزین‌های زندان یا مجازات‌های بینابین، دکتر محمد آشوری، انتشارات گرایش، ۱۳۸۲
۲. پذیرش فرهنگ زندان، دکتر حسین غلامی، مجله پژوهش حقوق و سیاست، شماره نهم.
۳. مجازات‌های جایگزین در حقوق فرانسه، دکتر علی حسینی نجفی ابرندآبادی، مجله حقوقی قوه قضائیه.
۴. نارسایی‌های زندان، گودرزی، مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
۵. متن لایحه «مجازات‌های اجتماعی» قوه قضائیه.



شناسنامه گزارش

شماره مسلسل: ۹۲۳۴

عنوان گزارش: اظهارنظر کارشناسی درباره: «لایحه مجازات‌های اجتماعی جایگزین زندان»

Report Title: Community Sanctions Alternative to Imprisonment

نام دفتر: مطالعات حقوقی

تهیه و تدوین: —

مدیر مطالعه: جلیل امیدی

ناظر علمی: همایون حبیبی

همکاران: فیروز محمودی، جلیل محبی، حمید بهره‌مند

همکاران خارج از مرکز: —

اظهارنظرکنندگان خارج از مرکز: —

ویراستار ادبی: —

ویراستار تخصصی: —

متقاضی: کمیسیون قضایی و حقوقی

واژه‌های کلیدی (فارسی / انگلیسی):

۱. مجازات‌های اجتماعی (Community Sanctions)

۲. حبس (Imprisonment)

۳. زندان (Irison)

۴. سیاست جنایی تقنینی (Legislative Criminal Policy)

تاریخ شروع مطالعه: ۱۳۸۷/۴/۱۲

تاریخ پایان مطالعه: ۱۳۸۷/۶/۲۷

تاریخ انتشار: ۱۳۸۷/۷/۶